

## هوالشافی

### مفهوم رکن، مزاج در طب سنتی

محمود بن محمد چغمینی خوارزمی (745 ق) می‌گوید:

وَأَمَّا الْأَرْكَانُ فَهِيَ أَجْسَامٌ بَسِيطَةٌ وَ هِيَ أَجْزَاءُ أَوْلَىٰ لِبَدَنِ الْإِنْسَانِ وَ غَيْرِهِ لَا يُمَكِّنُ أَنْ تَنْفَسِمَ إِلَىٰ أَجْسَامٍ مُخْتَلِفَةٍ الصُّورِ وَ الطَّبَائِعِ.

"و اما ارکان (بنیادها)، پس آنها اجسام بسیطی (گسترده) هستند و آنها اجزاء اولیه و تقسیم ناپذیر هستند برای بدن انسان و غیر آن (آنچه در عالم ماده وجود دارد)"، [و لازم است بدانیم که آنچه در دنیای اطراف ما وجود دارد اعم از انرژی و انواع آن (مثل نور، صوت، الکتریسته و اشعه‌ها)، جامدات، مایعات و گازها همگی از ارکان تعریف شده در طب سنتی توسط دانشمندان بزرگ ما همچون شیخ الرئیس ابوعلی سینا و سایرین هستند و این جامعیت دید بزرگان طب ما باعث شده که انسان را جدای از عالم خارج نمی‌دیدند بلکه انسان کاملاً مرتبط با تمام جهان فرض می‌شده است].

چغمینی چنین ادامه می‌دهد:

وَ هِيَ أَرْبَعَةٌ النَّارُ وَ هِيَ حَارَّةٌ يَابِسَةٌ

**"ارکان چهار است، آتش (نماد انرژی) که گرم است و خشک"**

وَلَهْوَاءٌ وَ هُوَ حَارٌّ رَطْبٌ

**"و هوا (نماد گازها) که گرم است و مرطوب"**، [البته درست است از ریح یا باد استفاده نمائیم که جمع گاز و انرژی است که گرم است و مرطوب، که منظور از مرطوب بودن، سیلانیت ماده یا روان بودن آن است، که این میزان در هوا به مراتب بیشتر از مایعات است، بطوریکه گازها وقتی در محیطی قرار می‌گیرند تمام آن فضا را پر می‌نمایند.

در منابع روایی ما از زبان مبارک اهل البیت علیهم السلام هم کلمه ریح یا باد به جای الهواء آمده است و کاملاً هم درست است، چون باد، ترکیب انرژی با گاز است که هم گرم است و هم جریان و سیلانیت دارد و لذا گرم و مرطوب است].

وَ الْمَاءُ وَ هُوَ بَارِدٌ رَطْبٌ

"و آب (نماد مایعات) که سرد است و مرطوب"، [ولی میزان سیلانیت یا روان بودن آب از هوا کمتر است و در هر ظرفی که قرار گیرد شکل آن ظرف را بخود می‌گیرد اما تمام فضای یک محیط را مثل گازها اشغال نمی‌کند].

وَ لَأَرْضٌ وَ هِيَ بَارِدَةٌ يَابِسَةٌ

"و زمین یا خاک که سرد است و خشک"، [می‌توانیم جامدات را جزء همین رکن خاک یا زمین قرار دهیم].

[نکته مهم این است که تمام ارکان بصورت یک طیف از غلیظ به رقیق هستند و یکی در نهایت به دیگری تبدیل می‌شود و سر منشاء همه ارکان آتش یا انرژی است و هر چه از زمین یا خاک به سمت آتش می‌رویم وسعت بیشتر می‌شود و لطیف‌تر و رقیق‌تر می‌شوند].

إِنَّ الْأَرْكَانَ إِذَا تَصَعَّرَتْ أَجْزَاءُهَا وَ تَمَاتَسَتْ، فَعَلَّ بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ يَقْوَاهَا الْمُتَضَادَّةُ وَ كَسَرَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهَا سُورَةَ كَيْفِيهِ الْآخِرِ فَإِذَا انْتَهَى الْفِعْلُ وَ الْإِنْفِعَالُ بِيهَا إِلَى حَدِّ مَاءٍ حَدَّتْ، لِذَلِكَ الْمُرَكَّبِ كَيْفِيَّةً مُتَشَابِهَةً فِي جَمِيعِ أَجْزَائِهِ، وَ هِيَ الْمَزَاجُ.

"هر موقع قسمت‌های اندکی از رکن‌های مختلف با هم در تماس قرار گیرند، بعلاوه کیفیت‌های متضادی که با هم دارند (گرمی، سردی، رطوبت یا خشکی) روی هم تأثیر می‌گذارند و از کیفیت‌های همدیگر می‌کاهند، وقتی این تأثیرات روی هم به حد معینی برسد، کیفیتی مشابه در تمام اجزاء جسم ایجاد می‌شود که به آن مزاج می‌گوئیم."

دکتر حسن اکبری

متخصص آسیب شناسی سلولی

دانشیار پاتولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

محقق و مدرس طب اسلامی ایرانی

[www.drakbary.com](http://www.drakbary.com)